

آیه تطهیر در ادبیات عرب

زهره اخوان مقدم*

چکیده: آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر)، موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده بوده و در این گفتار، خلاصه‌ای از آن رساله را ارائه می‌کند. بخش اول به بررسی آیه تطهیر، از حیث: اهمیت، مفردات و معنای اهل بیت در نظر دانشمندان شیعه و سنی می‌پردازد و به مناسبت، نگاهی به شخصیت عکرمه می‌افکند. اما بخش دوم و اصلی این رساله، پیگیری آیه تطهیر در شعر شاعران عرب است که به دلیل جایگاه رفیع شعر و شاعران، سخن آنان مورد استناد بوده و است. نویسنده آیه تطهیر را در شعر عربی، از قرن دوم تا سیزدهم هجری قمری به ترتیب زمان، پی می‌گیرد و در این مقاله، نمونه‌هایی از آن را می‌آورد؛ از جمله: عبدی کوفی، سید حمیری، ذکوان، ابونواس، دیک الجن، دعبل، وامق مسیحی، ابن دُرید، صنوبری، ابوفراس، ابوعلی ضریر خوارزمی، خطیب حصکفی، ابن عودی نیلی، ابن طلحة شافعی، ابن ابی الحدید.

کلید واژه: نصوص امامت / آیه ۳۳ سوره احزاب (تطهیر) / امامت در قرآن / ادبیات عرب / تفسیر موضوعی.

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآنی، تهران.

۱. مقدمه

از آنجا که آیه شریفه تطهیر (احزاب (۳۳) / ۳۳) در بیان برتری اهل بیت پیامبر ﷺ بر همهٔ انسانها، بسیار اهمّیت دارد، بیش از فضائل دیگر، مورد شک و تردید و حتّی حسد و غرض‌ورزی قرار گرفته است و این امر، اهمّیت پژوهش در این زمینه را روشن می‌سازد. از این‌رو، کتابهای چندی به زبان فارسی و عربی دربارهٔ این آیه، از حیث مفهوم و مصداق اهل بیت، نوشته شده است.

در همهٔ تفاسیر و کتب مرتبط دیگر نیز بحثهای مفصّلی حول این مسئله به چشم می‌خورد؛ اما نگارنده از روشی غیر از روش همهٔ آثار پیشین برای پژوهش در آیهٔ تطهیر اقدام کرده است. رشتهٔ اصلی وی علوم قرآن و حدیث، و علاقه‌مند به مباحثی حول رشتهٔ خود بوده است. از آنجا که نگارنده در مقطع ارشد به طور همزمان در «علوم قرآن و حدیث» و نیز «ادبیات عرب» تحصیل می‌کرده، لذا باید دو رسالهٔ همزمان ارائه می‌شد، و از آنجا که در رشتهٔ ادبیات عربی الزاماً باید موضوعی مرتبط با رشته انتخاب می‌شد، مطالعه و تحقیق دربارهٔ اشعار جاهلی و شرح حال آن شاعران و معلّقات سبع و... مورد علاقه نگارنده نبود. پس از مدّتی تفکّر، براساس علاقهٔ وافری که به کتاب شریف الغدیر و مباحث امامت داشت و نیز براساس پیشنهاد جناب دکتر محمد امینی نجفی، بر آن شد تا به روش علامه امینی، یعنی پیگیری غدیر در اشعار شعرا، در مورد آیهٔ تطهیر به بررسی و تحقیق پردازد. از آنجا که موضوع ابتکاری بود و صبغهٔ ادبیات عربی هم داشت، به سرعت پذیرفته شد و از زمستان ۱۳۸۱ کار ممتد و پیگیر حول آن در رأس اولویتهای نگارنده قرار گرفت. در این گفتار، ضمن معرفی این پایان‌نامه، خلاصه و گزیده‌ای از مطالب آن نقل می‌شود.^۱



۱. از آنجا که این مقاله، تلخیص پایان‌نامهٔ یاد شده است، منابع در اصل پایان‌نامه آمده است. توضیح این‌که اصل پایان‌نامه با ویرایش در دست چاپ می‌باشد. (ویراستار)

۲. نمای کلی پایان نامه

این پژوهش در دو فصل کلی سامان یافته که قبل از آن، مقدمه و یک پیشگفتار مفصل به چشم می خورد. در پیشگفتار که در ۱۴ صفحه تنظیم شده، به مقدماتی از قبیل سیر تدوین حدیث، منع تدوین حدیث توسط برخی از صحابه، توصیه‌های کلامی و عملی پیامبر ﷺ در جهت معرفی رهبری پس از خود، عصمت اهل بیت و ویژگیهای کلی آیه تطهیر اشاره شده است.

۳. نگاهی به فصل اول

فصل اول این مجموعه - که از حیث موضوع، کار جدیدی نیست - «بررسی آیه تطهیر» نام دارد. اما از حیث جمع و نقد آراء و نتیجه گیریها، مقایسه دیدگاه عالمان شیعه و اهل سنت، بیان سرچشمه‌های اختلاف و علل آن و شخصیت‌شناسی عاملان اختلاف، بی سابقه و نو به نظر می رسد.

این فصل که ۵۰ صفحه دارد، شامل شش عنوان فرعی به شرح زیر است:
اهمیت آیه تطهیر، مفردات آیه تطهیر، دیدگاه عالمان شیعه و خاستگاه آن، دیدگاه عالمان اهل سنت و سرچشمه اختلاف، خلاصه و نتیجه گیری، نگاهی به شخصیت «عکرمه» و بررسی حدیث او.
در باره این عنوانهای فرعی، توضیح اجمالی ذکر می شود.

۱-۳) اهمیت آیه تطهیر: این بخش ناظر به اهمیت این آیه شریفه از حیث برتری اهل بیت پیامبر بر دیگران و راه‌گشایی آن در جهت تعیین رهبری آینده مسلمانان است.

۲-۳) مفردات آیه تطهیر: نگارنده در این بخش، به معنای تک تک واژگان پرداخته و با تکیه بر کتب مرجع، معنای «إنما»، «اراده»، «إذهاب»، «رجس»، «تطهیر»، «اهل» و «بیت» را روشن ساخته است. در ضمن هر کدام از واژگان آیه بحثهای جانبی به طور مستدل به میان می آید. مثلاً ذیل کلمه اراده، موضوعات تکوینی و تشریحی، معنای عصمت و منافات نداشتن آن با «اختیار»، و دیدگاه علما در این زمینه بررسی شده

است.

همچنین در ضمن بیان معنای «اهل» به واژه‌شناسی آن در قرآن پرداخته و با استناد به آیات دیگر، به سبک تفسیر موضوعی، معنای آن روشن شده و حدود و ثغور «اهل بودن» مشخص می‌گردد. سپس معنای «بیت» به همین سبک روشن شده و سرانجام در پایان بخش مفردات، معنا و مصداق «اهل البیت» با تکیه بر روایات شیعه و سنی مورد توجه قرار گرفته است. در اینجا، اعتراف عالمان اهل سنت، از جمله فخر رازی مطرح شده که «اهل بیت» و «آل محمد» کسانی اند که در پنج ویژگی با رسول اکرم مشترک‌اند: صلوات در تشهد، سلام، طهارت، تحریم صدقه و محبت.

۳-۳ دیدگاه علمای شیعه و خاستگاه آن: در این بخش از فصل اول، باور همه عالمان و مفسران شیعه و مستندات ایشان به عرصه بیان آمده و تصریح شده که حتی یک نفر از صاحب نظران این مکتب، در مصداق آیه تردیدی ندارد.

۴-۳ دیدگاه علمای اهل سنت و سرچشمه اختلاف: در این قسمت، اقوال مفسران اهل سنت را می‌بینیم که هیچ کدام نتوانسته‌اند شمول «اهل بیت» را از حضرت فاطمه و همسر و پسرانش منکر شوند؛ اما همسران پیامبر را نیز به مصداق مزبور اضافه کرده‌اند و البته تناقض در اقوال این مفسران، آشکار است. نکته مهم این بخش آن است که علما و مفسران اهل سنت از متقدم تا متأخر، برای این نظریه شاذ (که همسران پیامبر نیز مصداق اهل البیت‌اند) تنها و تنها به حدیث یک نفر به نام «عکرمه» استناد نموده‌اند و جالب اینجاست که اغلب، در سخن عکرمه هم مناقشه دارند! مثلاً ابن‌کثیر (م ۷۷۴) - که در دفاع از مواضع اهل سنت تعصب دارد - می‌گوید: آیه نص است در ورود ازواج نبی در اهل بیت و عکرمه در بازار فریاد می‌زد که آیه تطهیر خاص همسران رسول خداست و من حاضر مباحله کنم. (ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۴۹۱) سپس در صفحه بعد می‌گوید: «اینکه مراد آیه فقط زنان رسول باشند، محل مناقشه است؛ زیرا احادیثی وارد شده که نشان می‌دهد مراد آیه اعم از زنان است.» ابن‌کثیر پس از

این سخن همه احادیث مرتبط با آیه تطهیر، بخصوص حدیث غدیر و ثقلین و کساء و احتجاجات امام حسن علیه السلام و امام سجاد علیه السلام را که مؤید قول شیعه است، می آورد. اما با کمال تعجب، در آخر چنین نتیجه می گیرد: «ولی با تدبّر در قرآن، بی تردید نساء نبی داخل در قول **إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ** هستند زیرا سیاق کلام چنین است!» نگارنده رساله در انتهای این بخش، اقوال مفسران اهل سنت را از هفت جهت نقد می کند.

۵-۳ خلاصه و نتیجه گیری: این بخش اختصاص دارد به جواب پنج سؤال مهم که در فهم معنای آیه بسیار مدخلیت دارد؛ مثلاً اینکه آیا خود همسران پیامبر صلی الله علیه و آله چنین ادعایی داشته اند؟ و آیا سیاق در مقابل نصّ، تاب مقاومت دارد؟ و...

در پایان، نگارنده به سه دلیل مهم تاریخی در اثبات مدّعی شیعه اشاره می کند. ۶-۳ نگاهی به شخصیت عکرمه: گفتیم که استناد مفسران عامّه در آن قول شاذّ، به کلام عکرمه است؛ لذا این بخش به شناسایی عکرمه اختصاص یافته و سخنان او، از حیث سندپژوهی و متن پژوهی مورد دقت قرار می گیرد.

۴. نگاهی به فصل دوم

فصل دوم و اصلی پایان نامه در ۱۷۷ صفحه نوشته شده است. مفهوم آیه تطهیر و مصداق آن با تکیه بر دلائل عقلی و نقلی و تاریخی در فصل اول این پایان نامه کاملاً اثبات شده؛ اما هدف این رساله پیگیری روش علامه امینی در مورد آیه تطهیر است تا ثابت شود که در هیچ قرن و هیچ نسلی، هیچ شاعری بر خلاف قول شیعه شعری نسروده و فرهنگ عامّه مردم - که شعر شعرا از آن سرچشمه می گیرد - نیز قول شیعیان را تأیید می کند.

فصل دوم از دو بخش تشکیل شده است. نگارنده در بخش اول این فصل، گذری بر پیشینه و جایگاه رفیع شعر دارد و در بخش دوم، تطهیریه های شاعران را از قرن دوم تا زمان حاضر بررسی نموده است.

۵. نگاهی به بخش اول: نگرشی بر پیشینه و جایگاه رفیع شعر

در هر فرهنگ و تمدن اجتماع انسانی، ادبیات و خصوصاً شعر، آینه تاریخ آن جامعه است؛ زیرا شاعران از محیط اطراف خود اثر پذیرفته و به کمک استعداد و موهبت، ابیاتی می آفرینند که با وجود بی‌زبانی، زبان‌گویای عصرشان است. آنان ویژگی‌های مردم زمان خویش و شرایط اجتماعی و فرهنگی محیط خود را بیان می‌کند و به تصویر می‌کشند. بنابراین، شعر نشانگر فضای حاکم بر روزگار شاعر است و از این‌رو، به لحاظ تاریخی بسیار سودمند می‌باشد. همچنین نشان‌دهنده موضع شاعر در مقابل حوادث است.

توجه به این نکته ضروری است که علاوه بر نکات یاد شده، شعر از ارکان اجتماعی زندگی عربی بوده و آن را «دیوان اعراب» نامیده‌اند. قبل از ظهور اسلام، شاعر سرور قبیله و گاه از رئیس قبیله محترم‌تر بود و قبیله بدون شاعر سرافکنده و شرمنده می‌شد. اگر شاعری در قبیله‌ای به نبوغ می‌رسید، مردم جشن و پایکوبی راه می‌انداختند و افراد دیگر قبائل، برای عرض تهنیت، به سوی ایشان می‌آمدند و پذیرایی می‌شدند؛ زیرا شعر میراث آنها را حفظ و مقامشان را رفیع و دشمن را هراسان می‌کرد. از این‌رو، مردم نیاز به شعر داشتند و شاعر بسیار عزیز بود. شاعر تأثیری می‌گذاشت که دیگران حتی با شمشیر نمی‌توانستند چنان کنند. حنا الفاخوری می‌نویسد: «شعر ترجمان احساسات افراد و زبان قبیله و طومار اخبار گذشته و سرگذشت نیاکان بود. شاعر، پیامبر قبیله و پیشوای آن در زمان صلح و قهرمان آن در زمان جنگ بود. به فرمان او خیمه‌ها برپا می‌ساختند و می‌ایستادند یا کوچ می‌کردند. مقام شاعر از خطیب بالاتر بود، زیرا شعر در خاطره‌ها جا می‌گرفت و بر زبان آسان بود.»

به سبب همین تأثیر عظیم شعر و شاعر در نفوس مردم بود که مشرکان با مشاهده تأثیر شگرف قرآن در مردم، به قرآن نسبت «شعر» و به پیامبر نسبت «شاعر» دادند. نیز به سبب اطاعت مردم از شاعر بود که قرآن کریم در آیه ﴿الشعراء يتبعهم الغاؤون﴾ (شعرا (۲۶) / ۲۲۴) شاعران را متبوع گمراهان می‌شمرد.

اهمیت شاعر به اندازه‌ای بود که ملوک و امرا از شأن و نفوذ شاعر سود می‌جستند و با تشویق و صلح‌های متعدد، آنها را به دربار خویش می‌خواندند و گاه برای تصاحب یک شاعر، بین دو امیر نزاع و جنگ واقع می‌شد. زیرا شاعر مفاخر قوم را به گوش همگان می‌رساند و از حیثیت و شرف آنها دفاع می‌کرد و شور و حماسه را در سپاه برمی‌انگیخت و فضائح خصم را برملا می‌ساخت و...

نگارنده پس از کلیاتی درباره شعر، با توجه به آیاتی که ظاهراً شعر و شاعران را مذموم شمرده، اثبات می‌کند که در قرآن «شعر گفتن» نکوهش نشده، بلکه از برخی «شاعران» مذمت شده و اتفاقاً شعرای مؤمن استثنا شده‌اند.

پس از قرآن، اگر در سیره پیامبر ﷺ مطالعه کنیم، معلوم می‌شود که ایشان نیز شعر و شاعری را نه تنها به طور مطلق رد نفرموده، بلکه گاه شاعران را به سرودن شعر تشویق فرموده است. طبرسی می‌نویسد: «به صحیح رسیده که پیامبر ﷺ شعر را می‌شنید و تشویق می‌کرد و بارها به حسن فرمود: «پیوسته مؤید به روح القدس هستی تا آن زمان که با زبانت ما را یاری کنی» رسول عظیم الشأن اسلام، از اشعار حکیمانه و موافق عقل و دین حمایت می‌فرمود و حتی با اشعاری که چنین نبود، اما مغایرتی با اسلام نداشت، مخالفت نمی‌کرد. نمونه‌هایی از تشویق‌های پیامبر گزارش شده است.»

در پایان این بخش، نگارنده هدف خود را از بحث مستقل درباره جایگاه شعر بیان می‌کند و می‌نویسد: جایگاه شعر قبل از اسلام و بعد از آن، بدین جهت بیان شد تا خواننده به اهمیت و فایده جستجو برای یافتن اشعار آیه تطهیر پی ببرد؛ زیرا توجه به این اشعار چند مطلب را روشن می‌سازد:

۱. این اشعار مانند احادیث مربوطه، نشانگر انحصار «اهل بیت» در آیه تطهیر، به خمسۀ طیبه است.

۲. این اشعار معنای اصلی تطهیر یعنی «عصمت و پاکی اهل بیت» را تصریح می‌کند و نادرستی برداشت مخالف را روشن می‌سازد.

۳. با توجه به اینکه در بین شعرا افراد غیر شیعه و حتی غیر مسلمان هم هستند،

معلوم می شود که این عقیده اختصاص به شیعه ندارد.
۴. از آنجا که یکی از فوائد شعر «وقایع نگاری» است، واقعه نزول آیه تطهیر و شرح و بیان آن کاملاً در مضمون اشعار مشهود است.

۵. این شعرا، غالباً دانشمندان جامع الاطرافِ زمانِ خود بوده اند. لذا شعر آنان، از علوم مختلف مانند فقه و تاریخ و تفسیر و حدیث برخاسته است نه اینکه احساس محض باشد.

۶. با تکیه بر تطهیریه های شعرا، می توان یقین کرد که معنای تطهیر و مصداق مطهران، همان عقیده شیعه است و اگر غیر از این بود و افراد دیگری توسط پیامبر ﷺ معرفی شده بودند، حتماً شعرای دانشمند - اعم از شیعه و غیر شیعه - در ضمن اشعار به آنها اشاره می کردند. پیش از این، علامه امینی با تکیه بر اشعار غدیر در طی قرون گذشته، کاملاً نشان داده اند که اگر واقعه غدیر و حدیث غدیر معنایی غیر از عقیده شیعه داشت، حتماً در اشعار می آمد.

۶. بخش دوم فصل دوم

این بخش حجم اعظم رساله را به خود اختصاص داده است. نگارنده در این بخش، با جستجو در کتب تاریخی و ادبی و دیوانهای شعر، اشعاری را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آیه تطهیر ارتباط دارد، گرد آورده است. قبل از ذکر ابیات، برای آشنایی با شاعر، شرح حال مفیدی آورده شده است. البته جمع آوری همه اشعار مربوط به آیه تطهیر، نیاز به چندین جلد کتاب دارد، ولی در اینجا در حد یک رساله دانشگاهی اقدام شده است.^۱

۱. با توجه به اینکه در هنگام نزول آیه تطهیر، رسول خدا ﷺ، دختر و داماد و فرزندانش را زیر عبا یا کساء گرد آورد و این آیه شریفه را خواند، در پاره ای از اشعاری که خواهد آمد، فقط به این کلمه اشاره می شود.



الف - شاعران قرن دوم

در این قسمت، از عبدی کوفی، سید حمیری، ذکوان و ابونواس یاد شده است. ۱۶) **عبدی کوفی:** از شعرای اهل بیت که فقط درباره آل محمد علیهم السلام شعر سروده است. سروده‌های او مملو از ذکر فضائل و مدح و مرثیه علی علیه السلام و فرزندان اوست. صدق نیت او باعث شد که بارها امام صادق علیه السلام از او خواستند تا برای ایشان شعر بخواند و درباره اش فرمودند: «ای شیعیان، شعر عبدی را به فرزندانمان یاد بدهید؛ زیرا او به دین خداست.» وی حول عصمت آل محمد و واقعه کساء اشعاری دارد. از جمله در یکی از اشعارش پس از ذکر پاکی و برتری ایشان، می‌گوید:

لَوْ لَمْ يَكُونُوا خَيْرَ مَنْ وَطَأَ الْحَصَى مَا قَالَ جَبْرَائِيلُ لَهُمْ تَحْتَ الْعَبَا
هَلْ أَنَا مِنْكُمْ شَرَفًا ثُمَّ عَلَا يُفَاخِرُ الْأَمْلَاكُ إِذْ قَالُوا بَلَى

اگر این پنج نفر بهترین خلق نبودند، جبرئیل هنگامی که آنها زیر عبا جمع شدند، از ایشان اجازه ورود و معیت نمی‌گرفت، و نیز هنگامی که به او اجازه ورود دادند، به خاطر این مصاحبت، به ملائکه آسمان فخر نمی‌فروخت.

۲۶) **سید حمیری:** از شعرای معروف شیعه است که مذهب کیسانی داشت و به برکت هدایت امام صادق علیه السلام شیعه اثناعشری شد و لقب «سید» را امام ششم علیه السلام بر او نهادند و او را «سید الشعراء» نامیدند. چون علاوه بر حب اهل بیت، بغض دشمنان ایشان نیز در قلب او رسوخ کرده بود، ابن حجر در معرفی او می‌گوید: «شاعری فصیح است و رافضی خبیث!» ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: «او در سب اصحاب رسول خدا و همسران او افراط کرد و طعن و مذمت آنها را در اشعارش آورد. و شعر او از مدح بنی هاشم و ذم مخالفان آنها خالی نیست.» ذهبی گوید: «سید حمیری از فحول شعراست؛ ولی رافضی سرسخت است.»

اشعار او در تأیید مذهب شیعه به قدری قوی است که افرادی چون «دارقطنی» دانشمند معروف اهل سنت، تنها به خاطر حفظ کردن دیوان او متهم به تشیع شده‌اند. پدر و مادر سید حمیری از خوارج اباضیه بودند و هنگامی که از مذهب

فرزندشان مطلع شدند کمر به قتل او بستند. لذا او پنهانی زندگی کرد تا والدینش از دنیا رفتند. شرح حال سید حمیری بسیار شگفت‌انگیز و آموزنده است. «عینیّه» او شهرت فراوان دارد و امام صادق علیه السلام با شنیدن آن بر سید رحمت فرستاد. این قصیده عینیّه، همان است که پیامبر صلی الله علیه و آله در رؤیای صادقه به امام رضا علیه السلام فرمودند: «این را حفظ کن و به شیعیان ما امر کن تا آن را حفظ کنند و به ایشان خبر ده که هر کس آن را حفظ کند و پیوسته بخواند، من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.» سید درباره آیه تطهیر اشعار زیادی دارد. به عنوان نمونه:

إِنَّ يَوْمَ التَّطَهِيرِ يَوْمٌ عَظِيمٌ خُصَّ بِالْفَضْلِ فِيهِ أَهْلُ الْكِسَاءِ...

ابوالفرج اصفهانی در مدح این شعر، سخنی شنیدنی دارد.

در شعر دیگری می‌گوید:

بَيْتُ الرِّسَالَةِ وَالنَّبْوَةِ وَالَّذِ يَنْ نَعُدُّهُمْ لِدُنُونِنَا شُقَعَاءَ

مَنْ خَمْسَةُ جَبْرِيلَ سَادِسُهُمْ وَ قَدْ مَدَّ النَّبِيُّ عَلَيَّ الْجَمْعَ عَبَاءَ

... همان پنج نفری که پیامبر صلی الله علیه و آله با عبا ایشان را پوشاند؛ در حالی که هیچ‌کس با ایشان شریک نبود مگر جبرئیل که ششمین نفر این پنج نفر بود.

۳۶) ذکوان مولی بنی‌هاشم: شاعری است با اشعار نیکو که مدافع حریم اهل بیت است. وی بسیار پرجرئت بود و اشعار مدح خود را حتی در حضور ظالمانی چون معاویه و مروان می‌خواند. ماجرای خواستگاری مروان از دختر «عبدالله بن جعفر» در کتب بسیاری ثبت شده که ذکوان در همان مجلس با سه بیت شعر، جسارت مروان را پاسخ می‌گوید. در مضمون آیه تطهیر بیتی از او می‌آوریم:

أَمَا طَ اللَّهُ مِنْهُمْ كَلَّ رَجِيسٌ وَ طَهَّرَهُمْ بِذَلِكَ فِي الْمَثَانِي

خداوند از ایشان همه پلیدی‌ها را زدود، و پاک و مطهرشان ساخت و این مطلب در قرآن آمده است.

۴۶) ابونؤاس: حسن بن هانی معروف به ابونؤاس شاعر شهیر قرن دوم است. در علم قرائت، لغت، فقه، حدیث و احکام صاحب نظر بود. سابقه خوبی نداشت، اما توبه

و استغفار نمود و اهل زهد و تقوی شد. پرچمدار شعر در عصر خود بود و سبکی نو در شعر ایجاد کرد و او را در ردیف امرؤ القیس شمرده‌اند. اشعار او فراوان و دیوانش بارها چاپ شده است. در یکی از اشعارش انتساب به علی علیه السلام و علوی بودن را تنها افتخار به حساب می‌آورد و ضمن معصوم و مطهر شمردن اهل بیت، صلوات را مختص آنان می‌داند:

مُطَهَّرُونَ نَقِيَّاتُ جُيُوبُهُمْ تَجْرِي الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذُكِرُوا
ایشان مطهر و پاک و پاک‌دامن‌اند و هر جا نامشان برده شود، صلوات و درود بر آنها فرستاده می‌شود.

ب - شاعران قرن سوم

پس از قرن دوم، نگارنده از شاعران زیادی یاد می‌کند که در قرن سوم تطهیریه‌هایی دارند: محمد بن ادریس شافعی، دیک الجن، دعبل و وامق مسیحی. (۵۶) شافعی: وی از بزرگان اهل تسنن قرن دوم و رئیس مذهب شافعیه است. تولد او دقیقاً روز مرگ ابوحنیفه بود. در علم لغت، شعر و ادبیات، ایام عرب، فقه و حدیث تبحر داشت و در سن ۱۸ یا ۲۰ سالگی فتوا می‌داد. احمد حنبل، عمر بن عبدالعزیز را مجدد دین در قرن اول، و شافعی را مجدد دین در قرن دوم می‌شمارد. اشعار او در حب آل محمد فراوان است؛ از جمله می‌گوید:

إِنْ كَانَ رَفْضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلْيُشْهَدِ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضِي
اگر حب و دوستی آل محمد، رفض و خروج از دین به حساب می‌آید، جن و انس شاهد باشند که من رافضی و خارج از دین هستم.

اشعار وی در مدح و پاکی اهل بیت و فضائل فراوان ایشان و نیز رثای امام حسین علیه السلام بسیار شنیدنی است؛ از جمله می‌گوید:

إِذَا فِي مَجْلَسِ ذِكْرِهِ عَلِيًّا وَ سَبْطِيَّةٍ وَ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ
فَأَجْرِي بَعْضُهُمْ ذِكْرِي سِوَاهُمْ فَأَيُّقُنُ أَنَّهُ لِسَلْقَلِقِيَّةِ

على آل الرسول صلاة ربِّي وَ لَعْنَتُهُ لِكَالْجَاهِلِيَّةِ

هرگاه در مجلسی نام علی و دو پسر او و فاطمه پاک نهاد برده می‌شود، بعضی از مردم فوراً موضوع را عوض کرده و سخن غیر ایشان را می‌گویند. لذا من یقین می‌کنم که آنان زاده زنان بدکاره‌اند. صلوات خدا بر این چهار نفر آل رسول، و لعنت خدا بر این مرام جاهلی.

۶۶) دیک الجن: ابو محمد عبدالسلام حُصْصی معروف به «دیک الجن»، از شعرای عصر عباسی و شاعری خوش طبع از شیعیان است. او در مرثی امام حسین علیه السلام اشعار فراوان دارد. وی نه تنها برای عرب نسبت به عجم فخری قائل نبود، بلکه بر اعراب، فخر می‌کرد و تنها آل محمد را بهترین مردم بین عرب و عجم می‌شمرد. در مضمون آیه تطهیر می‌گوید:

و الخمسة الغرُّ أصحابُ الكساءِ معاً خَيْرُ البريةِ من عجمٍ و من عربٍ

اشعار او در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و مظلومیّت ایشان شنیدنی است.

۷۶) دعبل خُزاعی: وی از شعرای کم‌نظیر شیعه امامیه و از نوادگان «بدیل خُزاعی» صحابی گرانقدر رسول خدا صلی الله علیه و آله است که پیامبر در روز فتح مکه او را دعا فرمود. بدیل در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود که به دست یاران معاویه شهید شد. سروده‌هایش بر زبانها و در کتابها جاری است و نبوغ او را در ادب و شعر اثبات می‌کند. اشعار او غالباً در مدح اهل بیت و هجو دشمنان ایشان است. علامه امینی می‌نویسد: «از آنجا که ولایت اهل بیت خالص نمی‌شود مگر با برائت از دشمنان ایشان، لذا دعبل پیوسته بیزاری و برائت خود را از دشمنان عترت طاهره و غاصبین منصب ایشان اعلام می‌کرد.»

وقتی عباسیان به بهانه دفاع از اهل بیت روی کار آمدند، اما خلاف گفته‌هایشان عمل نمودند، دعبل همه خلفا و وزرای ایشان را افشا کرده و با این هجوگویی از بنی عباس انتقام می‌گرفت. به همین سبب، پیوسته فراری بود و خود می‌گفت: «پنجاه سال است که چوبه دارم را به همراه می‌کشم.» وی در علم تاریخ و ادبیات ید

طولا داشت و از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام شمرده می شود. سرانجام در سن ۷۹ سالگی با ظلم و ستم، به امر متوکل شهید شد. قصیده تائیه دعبل که با «مدارس آیات...» شروع می شود، بسیار معروف است و امام رضا علیه السلام به او فرمود: «این شعر را روح القدس به زبان تو جاری کرده است.» سپس جبه ای به او بخشیده و دو بیت به شعرش اضافه فرمودند. در این قصیده طولانی به آیه تطهیر اشاره کرده و پاک بودن اهل بیت و فضائل دیگر ایشان را یاد می کند:

... مَنَازِلُ كَانَتْ لِلصَّلَاةِ وَ لِلتَّقَى وَ لِلصَّوْمِ وَ التَّطَهْرِ وَ الْحَسَنَاتِ ...

خانه هایی که مخصوص نماز و پرهیزگاری و روزه بود و پاک و مطهر بود و دارای نیکویی ها.

۸۶) **وامق مسیحی:** بقراط نصرانی از بزرگان و اُمراء ارامنه است. او از مداحان اهل بیت بود و ماجراهایش در زمان متوکل، در تاریخ یعقوبی و کامل ابن اثیر آمده است. چگونه یک مسیحی مدح و ثنای امیرمؤمنان کند؟ اما باید دانست که انسان کمال طلب است و علم و کمال و فضائل غیر قابل شمارش امیرالمؤمنین علیه السلام هر انسانی را به تحسین وادامی دارد. علامه امینی گوید: «بسیاری از یهود و نصاری در مدح پیامبر و وصی او کتاب نوشته اند.» و سپس ۳۰ نفر از ایشان را نام می برد. وامق در مدح امام علی علیه السلام و بیان واقعه غدیر و فضائل اهل بیت، اشعار فراوان دارد و در مضمون آیه تطهیر، اهل بیت را منحصر در علی و فاطمه و پسران ایشان علیهم السلام می شمرد:

إِذَا ظَلَمْتُ طُرُقَ الرَّشَادِ عَنِ الْهُدَى فَأَلَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَتْ مُصَابِحًا

سَلِيلُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَ ابْنُ فَاطِمِ مَعَاشِرُ كَانُوا لِلْغَوَايَةِ رَامِحًا

(پیامبر فرمودند) وقتی که راههای هدایت مخفی و تاریک شود، علی مرتضی و فرزندان او که پسران فاطمه اند، همچون چراغ می درخشند. ایشان گروهی اند که گمراهی را می رانند و دور می کنند.

ج - شاعران قرن چهارم

نگارنده در میان تطهیریه‌های قرن چهارم، از ۱۲ شاعر یاد می‌کند که عبارت‌اند از: عونى، ابن علویه اصفهانی، ابن درید، صنوبری، ابوفراس، ابن هانی اندلسی، ناشئ صغیر، سوسی، بشنوی، صاحب بن عباد، سلامه موصلی و ابن حماد عبدی. از آنجا که در مجال این مقال، فرصت پرداختن به همه نیست، سه تن به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند.

۹۶) ابن دُرَید: ابوبکر محمد بن حسن بن دُرَید صاحب تصانیف بسیار و از بزرگان لغت و نحو و ادب عربی است. در حفظ انساب عرب و اشعار سرآمد است. کتاب «اشتقاق» و «جمهره» از او در لغت و انساب، شهرت عام دارد. در قوه حفظ و نیز قدرت شعر گفتن او سخن فراوان گفته‌اند. در بین اشعارش «مقصورة دُرَیدیه» در رثای امام حسین علیه السلام بسیار معروف است و عالمان فراوانی این شعر را شرح کرده یا تخمیس نموده‌اند. وی در مضمون آیه تطهیر می‌گوید:

إِنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا وَوَصِيَّهُ
وَأَبْنَيْهِ وَابْنَتَهُ الْبَتُولَ الطَّاهِرَةَ
أَهْلُ الْعِبَاءِ فَإِنِّي بِوِلَائِهِمْ
أَرْجُو السَّلَامَةَ وَالنَّجَا فِي الْآخِرَةِ

به راستی، پیامبر اکرم و وصی او علی و دو پسرش و دخترش فاطمه پاکِ مطهر علیها السلام، همان اهل عبا هستند که من در آخرت، به سبب ولایت و دوستی ایشان، امید سلامتی و نجات دارم.

۱۰۶) صنوبری: ابوالقاسم احمد بن محمد جزری معروف به صنوبری، از معاریف قرن چهارم است. اکثر شعر او در وصف باغها و ریاض است؛ لذا «روضیات» او معروف می‌باشد. قصایدی در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام دارد و فضائل ایشان را به نظم درآورده است. مراثی امام حسین علیه السلام نیز در دیوان او فراوان است. این ابیات در مدح آل عبا اشاره به آیه تطهیر و حدیث کسا و دلالت بر حُسن اعتقادات او دارد:

حُبُّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَوَصِيهِ
مَعَ حُبِّ فَاطِمَةَ وَحُبِّ بَنِيهَا
أَهْلِ الْكِسَاءِ الْخَمْسَةِ الْعُرْرِ الَّتِي
يَبْنِي الْعُلَا بِغُلَاهُمْ بَانِيهَا

[ای نفس، طالب هر امر بی ارزشی مشو، طالب بالاترین امور باش که همانا] حبّ محمد و وصی او علی و فاطمه و پسرانش علیهم السلام می باشد. همان پنج نفری که اصحاب کساء هستند و به سبب علوّ مقام آنها، مقام و جلالت پایه گذاری شد.

۱۱۶) ابوفراس: حارث بن سعد بن حمدان مشهور به ابوفراس، فارس میدان عقل و فراست و شجاعت، و ریاست و حلم و ادب است. «ابوفراس» از القاب شیر است و به سبب شجاعت، این کنیه را بر شاعر نهاده‌اند. او از رجال سیاسی شیعه است که در قرن چهارم به دست غلام ابوالمعالی، پسر سیف الدوله، به قتل رسید. دربارهٔ حیات او کتابهای جداگانه نوشته شده است. علامه امینی گوید:

سخن از شخصیتی ذوابعد چون ابوفراس، بسیار دشوار است؛ زیرا نمی دانم کدام بعد او را توجه کنم: شعر و سخندانی، یا سپهسالاری، یا امارت؟ شعر او در سهولت و روانی و استحکام و نیکویی و شیرینی مشهور است. صاحب بن عباد دربارهٔ شعر او گوید: شعر با یک پادشاه آغاز و با یک پادشاه ختم شد. امرؤ القیس و ابوفراس. متنّبی شاعر مشهور، همیشه به تقدّم و مقام والای ابوفراس اعتراف داشت و جانب او را مراعات می کرد. در همهٔ اغراض (سبکهای) شعری اعم از وصف و فخر و حکمت و رثاء شعر گفته است. قصیدهٔ میمیه ای در مظلومیت ائمه علیهم السلام و ظلم بنی عباس دارد که مشهور به شافیه است. برخی از فضلالی این قصیده را شرح و تخریس کرده‌اند. شاعر امیر و توانا، تک تک بنی هاشم را در این قصیده با بنی عباس مقایسه کرده و به دون مایگی و حيله گری و فسق بنی عباس اشاره می کند.

ابوفراس قصیده‌هایی معروف نیز در مدح اهل بیت دارد که علامه امینی ۳۹ بیت آن را آورده است. شاعر در این قصیده علاوه بر غدیر و فضائل بی شمار امیرالمؤمنین علیه السلام به فضیلت کساء و اجازه گرفتن جبرئیل اشاره می کند و می گوید:

أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ الْكِسَاءِ وَأَنْهُ
إِذْ قَالَ جِبْرِئِيلُ بِهِمْ مُسْتَشْرِفًا
مِمَّنْ حَوَاهُ مَعَ النَّبِيِّ كِسَاءُ
أَنَا مِنْكُمْ، قَالَ النَّبِيُّ كَذَاهُ

آیا فراموش کرده‌اید روز کساء را که علی و پیامبر و بقیه به وسیله عبا پوشانیده شدند؟ همان هنگامی که جبرئیل از پیامبر اجازه خواست که با آنان باشد و پیامبر اجازه داد و جبرئیل این معیت را برای خود فضیلت و شرف می‌شمرد. اشعار و سرگذشت نه شاعر دیگر قرن چهارم نیز بسیار شنیدنی است.

د - شاعران قرن پنجم

در قرن پنجم، از پنج شاعر یاد شده که عبارت‌اند از: ابن مقلد شیرازی، نصرین منتصر، ابن صباح، ابوعلی ضریر، محمد موسوی. از بین اینها به بررسی دو تن می‌پردازیم.

۱۲۶) نصرین منتصر: نصرین احمد بن نصر از شاعران شیعه است و ابن شهر آشوب در مناقب نام او را «نصرین منتصر» ثبت کرده است. نصر در شعری که در مدح امام حسن مجتبی علیه السلام سروده است، مضمون آیه تطهیر را چنین بیان می‌کند:

سَادَتْ نِسَاءَ الْعَالَمِينَ أُمُّهُ	وَ سَادَ فِي الْخُلْدِ أَبُوهُ الْمُرْتَجَى
مَنْ ذَا لَهُ جَدُّ تَعَالَى ذَكَرُهُ	بِاللَّهِ مَقْرُونًا إِذَا قَامَ النَّدَا؟
مَنْ كَالنَّبِيِّ وَالْوَصِيِّ وَالِدُهُ	وَ زَوْجُهُ وَ ابْنَيْهِ أَصْحَابِ الْعَبَا؟

مادر امام حسن، سرور زنان جهان است و پدرش - که در بهشت به او امید شفاعت می‌رود - بزرگ بهشتیان است. چه کسی مثل امام حسن جدی چون رسول خدا دارد که هنگام بلند شدن صدای اذان، نامش با نام خداوند عالم در کنار هم برده می‌شود؟ و چه کسی مانند این پنج اصحاب کساء است؟ مانند پیامبر و وصی او علی و همسرش فاطمه و پسرانش؟

۱۳۶) ابوعلی ضریر: حسن بن مظفر نیشابوری از ادبا و شعرای خوارزم است. این نابینای روشن دل به ابوعلی بصیر یا ضریر معروف است و او را در هنر و ادب پیشتاز می‌دانند. از مادحان اهل بیت به حساب می‌آید و در یکی از اشعارش ضمن اشاره به فضیلت غدیر و مباحله، خمسه آل عبا را معرفی می‌کند:

و باهَلَّ الْمُشْرِكِينَ فِيهِ وَ فِي	زَوْجَتِهِ يَفْتَنِيهِمَا ابْنَاهُ
هُمْ خَمْسَةٌ يُرْحَمُ الْأَنْامُ بِهِمْ	وَ يُسْتَجَابُ الدُّعَا وَ يُرْجَاهُ

پیامبر در روز مباحله با علی و فاطمه و دو پسر ایشان به سوی مشرکان رفت. این پنج نفر همان کسانی‌اند که مردم به واسطه آنان مورد لطف و مرحمت خدا قرار می‌گیرند و دعاهایشان مستجاب می‌شود.

ه- شاعران قرن ششم

در این بخش، نویسنده چهار شاعر را معرفی می‌کند: خطیب حَصْکَفی، ابن عودی نیلی، طلایع بن رزیک و اخطب خوارزم. باز هم به جهت پرهیز از اطاله، تنها دو نفر معرفی می‌شوند.

۱۴۶) خطیب حَصْکَفی: ابوالفضل یحیی بن سلامه، ملقب به معین‌الدین و معروف به خطیب حَصْکَفی است؛ زیرا رشد و نمو او در حصن کینفا از شهرهای دیار بکر بود که در زبان فارسی حصن کیبا نامیده می‌شود. نزد خطیب تبریزی در بغداد به مهارت کامل در ادب دست یافت و مذهب شافعی را نیکو فراگرفت و به دیار بکر بازگشت و مفتی شد. علامه زمان خود در نظم و نثر است. نام او به سبب خطبه‌های فراوانش نیز شهره آفاق گشت و دیوان رسائل او شاهد بر این مدعاست. اشعار او در مدح اهل بیت بسیار نیکوست؛ تا آنجا که ابن‌کثیر می‌گوید: «او در بسیاری از علوم مانند فقه و ادب و نظم و نثر، امام و پیشوای زمان خود بود، ولی در تشیع خود غلو می‌کرد!» سمعانی نیز او را از غالیان شیعه برمی‌شمرد.

ابن شهر آشوب اشعاری از او را آورده است. وی در شعری که در مدح امام جواد علیه السلام سروده است به اصحاب عبا اشاره می‌کند:

أَحْبَبْتُ يَاسِينَ وَ طَاسِينَ وَ مَنْ	يَلَزَمُ فِي يَاسِينَ أَوْ طَاسِينَا
سُفِنَ النَّجَاةَ وَ الْمَنَاجَاةَ وَ مَنْ	أَوَى إِلَى الْفَلَکِ وَ طَوَّرَ سِينَا
ذَرُّوا الْعَبَا فَإِنَّ أَصْحَابَ الْعَبَا	هَمُّ النَّبَا إِنْ شِئْتُمْ التَّبِينَا

من یس و طس و ملازمان پیامبر را دوست دارم آنان که کشتیهای نجات و مناجات‌اند و به سبب ایشان کشتی نوح ماوی گرفت.

ترک کنید حماقت و نادانی را؛ زیرا اصحاب کساء همان نبأ هستند (که در مورد ایشان سؤال می شود) اگر طالب تبیین (آیه) هستید.^۱

۱۵۶) ابن عودی: سالم بن علی بن سلمان تغلبی معروف به «ابن عودی نیلی» ستاره‌ای از آسمان ادب است که ناشناخته ماند. سید محسن امین می گوید: «اشعار او را نیافتم مگر قصیده میمیه اش را در مناقب ابن شهر آشوب». اشعار مذهبی او مانند سید حمیری، ابن حماد، عوفی، ناشیء صغیر و ابن علویه فراوان است؛ به طوری که وقتی ابن شهر آشوب در اواسط قرن ششم وارد عراق شد، سروده‌های مذهبی ابن عودی را بین مردم شایع دید، تا حدی که مردم در مجالس برای شنیدن آنها اجتماع می کردند. اما بعد از آن، فتنه عظیم میان شیعه و سنی اتفاق افتاد و حنابله، کتابخانه‌های شیعیان را آتش زدند و لذا بسیاری از کتب و دیوانها، از جمله اشعار ابن عودی، نابود شد.

حبّ اهل بیت و برائت از دشمنان ایشان در شعر ابن عودی موج می زند و به همین سبب به او مَهر «رافضی خبیث یهجو الصحابه» زده اند. مثلاً در قصیده ۱۴۹ بیتی اش، به قضیه غدیر و بیعت همه صحابه با امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کند و نقض بیعت را عجیب می شمارد. نیز کیفیت خلافت را مورد سؤال قرار می دهد که اگر باید به اجماع باشد، چنانچه به زعم ایشان برای ابوبکر چنین بود، پس چرا در خلافت عمر به نص ابوبکر اکتفا شد و چرا در خلافت عثمان به شورا گذاشته شد؟! در بخشی از همین میمیه، به قضیه کساء و مباحله اشاره می کند و می گوید:

هُمُ بَاهَلُوا مِنْ دَاخِلِ الْعَبَا فَعَادَ الْمُنَاوِي فِيهِمْ وَ هُوَ مُفْحَمٌ
وَأَقْبَلَ جَبْرِيلَ يَقُولُ مُفَاخِرًا لِمِكَالٍ: مَنْ مَثَلِي وَ قَدْ صِرْتُ مِنْهُمْ؟
فَمَنْ مِثْلُهُمْ فِي الْعَالَمِينَ؟ وَ قَدْ غَدَا لَهُمْ سَيِّدُ الْأَمْلاَكِ جَبْرِيلُ يَخْدُمُ

ایشان هستند که پیامبر، آنها را داخل عبا کرد و با مسیحیان نجران مباحله نمود. در حالی که جبرئیل به میکائیل فخر می فرود شد که چه کسی به مقام من می رسد؟ زیرا من با ایشان

۱. اشاره دارد به آیات ۱ تا ۳ سوره نبأ.

داخل عبا شدم. آری، چه کسی در دو عالم مثل و مانند آنهاست؟ زیرا بزرگ ملائکه، جبرئیل امین، خادم این خانواده است.

و - شاعران قرن هفتم

نگارنده در این قسمت، تطهیریه‌های شش شاعر را به همراه شرح حال آنان می‌آورد که عبارت‌اند از: امام منصور بالله قرشی، ابن طلحه شافعی، ابن ابی‌الحدید، ابومحمد منصور بالله، شمس‌الدین محفوظ و بهاء‌الدین اربلی. از بین ایشان نیز دو تن را برمی‌گزینیم.

۱۶۶) ابن طلحه شافعی: ابوسالم محمد بن طلحه قرشی شافعی ملقب به «کمال‌الدین» می‌باشد. بعضی گمان کرده‌اند که نسبت «عمری» به او، به دلیل انتسابش به عمر بن خطاب است؛ در حالی که نسبت به محل تولد اوست که قریه «عمریه» در جاده موصل به شام است.

وی فقیه، عالم، عارف، خطیب دمشق و مفتی مذهب شافعی بود. در فنون فراوان تبخّر داشت که علم حروف و اوافق جزئی از آنهاست. ماجراهایی در این زمینه از او نقل شده که دلالت بر علوم غریبه او دارد. از نکات مهم زندگی او این است که سلطان حکم وزارت برای وی نوشت، ولی نپذیرفت.

وی آثار متعددی دارد؛ ولی کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» - که در خصوص مناقب دوازده امام نوشته - از همه معروف‌تر است. در شافعی بودن او شکی نیست و همه کسانی که طبقات علمای شافعی را نوشته‌اند، نام وی را آورده‌اند؛ اما ذکر مناقب اهل بیت در کتاب یاد شده آن قدر زیاد است که برخلاف همه متقدمان، محمد طبّاح حلبی، در قرن چهاردهم، به او نسبت تشیع می‌دهد.

وی در کتاب مذکور پس از آوردن روایات در شأن نزول آیه تطهیر می‌گوید:

یا ربّ بالخمسة أهل العبا	دوی الهدی و العمل الصالح
و من هم سفن نجاة و من	والاهم ذو متجّر رابح

لا تُخزني وَاغفر ذُنوبي عسى
أَسْلَمُ مِنْ حَرِّ لَظِي اللَّافِحِ

خداوندا به حق پنج تن اهل کساء که صاحبان هدایت و عمل صالح، و کشتیهای نجات بشوند، به حق آنهایی که هرکس دوستشان بدارد، در تجارت سود کرده، به حق آنان مرا خوار نکن و گناهانم را ببخش؛ باشد که از شعله های سوزاننده آتش سالم بمانم.
در اشعار دیگرش به غدیر، روایات سوره تحریم و هل آتی و شأن دشمنان اهل بیت نیز اشاره دارد.

(۱۷۶) ابن ابی الحدید: عزالدین عبدالحمید بن هبة الله بن ابی الحدید مدائنی معتزلی، ادیب، کاتب، مورخ و شاعر مشهور عصر عباسی است. او در مدائن متولد شد و به کسب علم پرداخت. در همه انواع علوم، دستی پیدا کرد. سپس به بغداد رفت و کاتب دربار خلافت شد. از بین مذاهب کلامی به اعتزال روی آورد. علاوه بر علوم مختلف و نیز کتابت دربار، شعر هم بسیار خوب می گفت و بارها به سبب مدح بنی عباس، جوایزی گرفت. مذهب اعتزال او در اشعارش کاملاً هویدا است.
آثار فراوانی دارد؛ اما از بین آنها شرح ۲۰ جلدی بر نهج البلاغه و نیز قصائد «سبع علویات» او بسیار مشهور است. این قصائد هفت گانه که در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شده، به ترتیب در ذکر فتح خیبر، فتح مکه، وصف پیامبر صلی الله علیه و آله، واقعه جمل، وصف امام علی علیه السلام و اوصاف حضرتش می باشد. شاعر معتزلی فضائل علی علیه السلام را به گونه ای به نظم کشیده که در مواردی متهم به غلو شده است. وی به قصه کساء و آمدن جبرئیل و پاک و مطهر بودن علی علیه السلام به سبب آیه تطهیر تصریح دارد و نیز به عزل ابوبکر برای اعلام سوره براءت با کنایه اشاره می کند:

و لا كان معزولاً غداة براءة
ولا عن صلاة أم فيها مؤخراً
إماماً هدى بالقرص أتر فافتضى
لَهُ القرضُ رُدَّ القرضُ أبيضُ أزهراً
مُزاحمُهُ جبريلُ تحتَ عباءةٍ
لَهَا قيلَ كلُّ الصَّيْدِ في جانبِ القِراءِ
لَأَسْتَنْفِذَنَّ العِمرَ في مِدحتي لَهُ
وَإِنْ لَأَمْنِي فِيهِ العَدُولُ فَأَكْثَرَا

علی علیه السلام کسی است که صبح روز اعلام سوره براءت، از این مأموریت، معزول نشد. نیز او

امام هدایتگری است که قرصهای نان را در راه خدا ایثار کرد و از این رو قرص خورشید برای نماز او به جای خود بازگشت. او کسی است که آن هنگام که در زیر عبا جمع بودند، جبرئیل به سوی آنان آمد و درخواست مصاحبت ایشان را داشت. او کسی است که همه خوبیها در او جمع شده. من تمام عمرم را در مدح علی مصرف می‌کنم، حتی اگر روز به روز ملامت سرزنش کنندگان بیشتر شود.

ز - شاعران قرن هشتم تا سیزدهم

مؤلف در این قسمت به شرح حال و اشعار یازده شاعر می‌پردازد که عبارت‌اند از: صفی‌الدین حلّی، واردی مقری، ابن صباغ مالکی، کفعمی، ابن معتوق، مقری کاظمی، آخوند مسیحا، خضرمی شامی، عَجَلیلی شافعی، ابوالحسن بن جبیر و ساعاتی. اشعار این شاعران نیز دلیلی بر مدّعی نویسنده است که شاعران از ابتدای قرن دوم تا قرن حاضر (یعنی چهاردهم) در بیان مصداق آیه تطهیر و نیز معنای طهارت و انحصار آن به خمسۀ طیّبه، هیچ تشّت آراء نداشته و همه یک زبان، عقیده قاطبه عالمان شیعه و نیز اکثریت عالمان اهل سنت را تأیید می‌کند. در انتهای رساله، پژوهشگر از ۱۳۳ منبع یاد می‌کند که در فراهم آمدن این نگارش، او را یاری داده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی